



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

حضرت سلطان آلپ ارسلان

السلام علیکم ورحمة الله وبرکاته،
أعوذ بالله من الشيطان الرجيم. بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ.
الصلاة والسلام على رسولنا محمد سيد الأولين والآخرين،
مدد يا رسول الله، مدد يا ساداتي أصحاب رسول الله، مدد يا مشايخنا،
شيخ عبدالله الفائز الداغستاني، شيخ محمد ناظم الحقاني، دستور.
طريقتنا الصلبة والخير في الجمعية.

ما نه باید با غرور و بلند پروازی با توجه به ادب اسلامی و رفتار طریقت صحبت کنیم. اگر خداوند به شما یک کیفیت داد، نه باید فکر کند که از خودتان میاید، باید فکر کنید که از الله میاید. چونکه الله عز و جل همه را یک شکل خلق کرد و گاهی اوقات او می دهد به هر کی بخواهد چیزهای خوب به عنوان یک نوع امتحان. این همه یک امتحان است. امتحان تنها نیست هنگامی که یک چیز بد اتفاق میافتد و چگونه تحملش کردن. گاهی اوقات چیزهای خوب اعطا می شوند به عنوان یک نوع امتحان و اگر بگوید، "من، این من هستم"، شکست می خورید (امتحان را از دست می دهید).

با این حال بسیاری از رهبران و آنهایی که مومن بودن، تبدیل به یک رهبر برای این امت شدن از زمان حضرت پیامبر مان (ص) آمد، کسانی که در راه حقیقت بودن همیشه این را می دانسته اند و بر این کلمات عمل کرده اند. با این حال، کسانی مثل فرعون و نمرود گمراه شدن و گفته اند، "این من هستم"، و خودستایی را ادامه دادن. هیچ بدرد نه خورد نه برای خودشان نه برای دیگران.

أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِ

"مومنان را نرم جانب و خوش باشند، بر کفران سخن و بزور و نابخشاینده،" ("اینان] با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران سرفرازند،") (سوره مائده: ۵۴). آنها میتوانند این را در برابر کفران انجام بدهند. چونکه در راه واقعی الله هستند میتوانند در برابر آنها صحبت کنند، اما هرگز نمی توانند در برابر مسلمانان صحبت کنند. آنها باید با مسلمانان رفتار مهربان داشته باشند مثل گفتند: "ما ها مثل آنها هستیم."

بسیاری از سلاطین بزرگ و بسیاری از فرماندهان بزرگ رسیدن. دیروز ما در مورد حضرت سلطان آلپ ارسلان در جایی می خواندیم. نام واقعی او محمد آلپ ارسلان است. همه ما او را می شناسیم، اما ما تاریخ آن را می دانستیم؟ فاتح (فاتح برای باز کردن راه برای اسلام) آناتولی، او در نبرد ملزگیرت پیروز شد، او آناتولی را فتح و آناتولی به اسلام باز کرد. او یک فرمانده و یک سلطان بزرگ بود، اما او نیز یک فرد بسیار فروتن و مومن بود. او می گفت: "جنگ های که انجام می دهیم برای

افتخار الله، و برای بالا بردن کلمه الله هستند،" او می گفت، "این جنگ ها را به راه می اندازیم برای از نوآوری و بدعت پاک کردن."



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی

همینطور در آن زمان تعداد زیادی از فرقه های بی معنی و باطنی وجود داشتند. پس از آن جنگ، او به جنگ رفت به سمت شرق: ماوراءالنهر، ترکستان، ترکمنستان، یعنی آسیای مرکزی زیر یک پرچم جمع آوردن، پاک کردن فرقه های شر که آنجا بودن، برای یک دولت واقعی تمیز اسلامی برقرار کردن.

او جلو رفت، و او باز کردن اسلام را ادامه داد. او انقدر سرباز مثل یک اقیانوس: سربازان سوار بر اسب و با پای پیاده داشت. او به یک مکان در مرز آمودریا (جیحون) رسید. یک قلعه در کنارش وجود داشت. او آن را محاصره کرد. فرمانده قلعه کسی از فرقه های فاسد بود. ممکن است کسی به نام یوسف الخوارزمی بود. آن مرد خائن گفت: "من تسلیم می شوم. به من اجازه بدهید به سمت سلطان بروم." او می خواست سلطان را بکشد هنگامی که نزدیک او میرسید. هنگامی که او به سلطان رسید، او بلافاصله اعمال ایده های شیطانی خود را انجام داد، به سلطان حمله کرد و او را زخمی کرد. و سلطان چهار روز بعد به شهادت رسید.

قبل از اینکه او یک شهید شد، یک عبارت از او رسید، "(یک بار)، بالای یک تپه رفتم و سربازان را در کاملاً دیدم: مثل یک دریا. چه کسی میتواند در مقابل ما ها بایستد؟ من پر از غرور شدم. اما الله با این بنده ضعیف به ما آسیب رساند. او دلیل مرگ من شد. به خدا توبه می کنند که اینجوری فکر کردم، از خدا طلب بخشش می خواهم. همینطور از او بخشش گناهان که انجام دادم می خواهم،" و اینطوری او یک شهید شد.

بنابراین این افراد، سلاطین مغل این، برای اسلام ۱۰۰ سال خدمت کرده اند. سلاطین ما اسلام در راه واقعی خدمت کرده اند. او این کلمات زیبا را گفت هنگامی که فهمید که یک اشتباه مثل این میتواند یک درس برای مردم پس از مرگش باشد. "رحمة الله علی" رحمت خدا بر او باشد. انشاءالله خداوند به همه ما از این اخلاق زیبا و ادب عطا کند.

ما مثل قارچ نیستیم (از هیچی ظهور نه شادیم). اجداد ما، به ما این راه زیبا را نشان داد. آنها از کسانی که می گویند، اما عمل نمی کنند نیستند. اگر آنها چیزی می گفتند: قطعاً آن را به عمل می بردن. آنها عادت نه داشتند بگویند، "شما این را اینطوری انجام می دهید، اما من آن را انجام نمی دهم." آنها راه زیبا را (و یا یک راه زیبا را) به مردم نشان دادن پس از اینکه آنها اول آن راه ها انجام دادن.

این یک موضوع ساده نیست. مسئله ساده نیست راه مستقیم را محافظت کردن، راه واقعی، برای قرنهای، برای بیشتر از هزار سال محافظت کردن. دولت که درست کردن یک پناهگاه برای همه مظلوم و برای همه مردم است، دولت اسلام است. آنها این را انجام دادن و آنها این را محافظت کردن. باشد که خداوند با همه آنها راضی باشد. انشاءالله درجه های آنها بالا باشند.

و من الله التوفيق.
الفاتحه



صحبت های حضرت شیخ محمد محمت عادل ال حقانی



حضرت شیخ محمد محمت عادل
۲۷ صفر ۱۴۳۸، درگاه اکبابا، فجر